

# (لوح عهد وميثاق) ای یاران الهی، عبدالبهاء شب...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح عهد وميثاق (امریکا) - اثر حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،  
جلد ۳، صفحه ۴۱۰ - ۴۲۳

امریک عموم احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

## ﴿ هو الله ﴾

ای یاران الهی، عبدالبهاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالبهاء عزیزند و در سحرگاهان تضرع بملکوت الله مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعهای روشن شوید و بنور هدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابهی پی در پی میرسد.

شجره حیات از بهار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقریب گل و شکوفه نماید و برگ و بار بار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد و این شجره حیات کتاب ميثاق است.

ولی در این ایام در امریکا بادهای شدیدی بر سراج ميثاق احاطه نموده تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجره حیات را از ریشه براندازد.

بعضی نفوس ضعیفه نوهوس از اهل غرض و بی خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همت را گاشتنند که عهد و ميثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل آلود کنند تا در این گل آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز



ORIGINAL

میثاق طغیان نموده‌اند بعینه مثل بیانان که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه ئی کنند و خفياً القای شبهات نمایند تا بکلی میثاق بهاء الله در امریکا محو و نابود گردد.

ای یاران الهی، بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید. حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارک را از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یظهره الله و سطوع انوار بهاء الله مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمة الله نمایند بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضد جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات برستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یظهره الله است استدلال بر بطلان بهاء الله مینمودند هر روز رساله بر ضد بهاء الله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاء الله قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفرا روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند و مانند شمع روشن برافروختند و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سم ثعبان میماند فوراً هلاک میکند.

از جمله در کلمات مکتوبه میفرماید "مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار"

و خطاب باحباباً میفرماید که "معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبای جمال سبحانرا بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطیء قدس سلطان احدیه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبادا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جمیع احبای الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّ اهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکل آیات ناطق شود و بکل کتب تمسک جوید" الی ان قال عزّ اسمہ "پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حيله گرفتار آیند اینست نصح قلم تقدیر"

و در خطاب دیگر میفرماید "پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سم سرایت کننده است"

و در خطاب دیگر میفرماید "ای کاظم چشم از عالمیان بپوش و ماء حیوان عرفانرا از ید غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیه بر مرابد صراط عزّ احدیه جالسند و ناس را بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی"

و در خطاب دیگر میفرماید "بسیار در حفظ نفوس خود سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند"

و در خطاب دیگر میفرماید "هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزهد اولین و آخرین ظاهر شود و یا عبادت ثقلین قیام نماید"

و همچنین در خطابی دیگر میفرماید "ای مهدی جمیع باین کلمات مطلع شده از مظاهر سجّیّه و مطالع نمرودیّه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبّیه اعراض نمایند"

و همچنین میفرماید "قل أن یا أحبّائی ثمّ أصفیائی اسمعوا نداء هذا الحیب المسجون فی هذا السجن الأكبر إن وجدتم من أحد أقلّ من أن یخصی روائح الإعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه" تا آنکه میفرماید "لأنهم مظاهر الشیطان"

و در خطابی دیگر میفرماید "و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روائح منتنه انفس خبیثه بر آندیار مرور نماید انشاء الله در آن ایام محفوظ مانید"

در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح میفرماید "و من اعثر أحد هؤلاء الصغار المؤمنین بی خفیر له أن یعلق فی عنقه حجر الریح ویغرق فی لجة البحر ویل للعالم من العثرات فلا بدّ أن تأتي العثرات و لكن ویل لذلك الإنسان الذی به تأتي العثرة فإن اعثرتك یدک أو رجلک فاقطعها و ألقها عنک خیر لک أن تدخل الحیاة اعرج أو اقطع من أن تلقی فی النار الأبديّة و لک یدان أو رجلان و إن اعثرتك عینک فاقطعها و ألقها عنک خیر لک أن تدخل الحیاة أعور من أن تلقی فی جهنّم النار و لک عینان"

و در اصحاح حادی و العشرون در انجیل متی در آیه ۳۸ میفرماید "و أمّا الکرّامون فلها رأوا الإبن قالوا فیما بینهم هذا هو الوارث هاموا نقتله و نأخذ میراثه فأخذه و أخرجوه خارج الکرّم و قتلوه"

و همچنین فی الاصحاح الثانی و العشرين در آیه چهاردهم میفرماید "لأنّ کثیرین یدعون و قلیلین ینتخبون"

و در آثار مبارک الواح حضرت بهاءالله البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود.

باری جمیع احبّای امریکا میدانند که مؤسس این فساد یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبّای الهی مقاصد ایشانرا میدانند سبحان الله با وجود این فریب آنانرا میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهودای استخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند

پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبدالبهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پایا محروم می‌نماید ابداً چنین نیست هر نفسی که جدا شد باعمال و دسائیس و وساوس خویش خود را محروم نمود اگر این اعتراض بر عبدالبهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نماید که بصراحت بحکم قاطع احباء را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود.

[مناجات] ای ربّ میثاق ای نیر آفاق عبدالبهایی مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجری میدارند و بنیان میثاقرا ویران مینمایند و ادعای بهائی میکنند تیشه بر ریشه شجره میثاق میزنند و خود را مظلوم میشمرند نظیر بیانها که میثاق حضرت برابر شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتربات بر هیکل مبارک زدند با این ظلم عظیم خود را مظلوم میشمردند حال این عبد آستانت نیز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حيله و مکرری مینمایند و افترائی میزنند. یا بهاء الابهی حصن حصین امر ترا از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوترا از این بادهای مخالف مصون بدار. یا بهاء الابهی عبدالبهاء دمی آرام نگرفت تا آنکه امر ترا بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسائیس و وساوس قیام کرده اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطاً وعده حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این برّه مظلوم ترا از چنگ و دندان ذء آب کاسره نجات میبخشی منتظر ظهور عنایات و تحقق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقیقی و توئی ربّ الميثاق پس این سراجیرا که تو افروختی از این اریاح شدید حفظ فرما یا بهاء الابهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دل شکسته گشتم و آزرده شده ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکنم یا بهاء الابهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست گیر باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید "این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسیکه اعراض نموده اند و از دریای علمت ممنوعند إلهی إلهی احفظ عبدک بجدک و کرمک من شرّ أعدائك الذین نقضوا عهدک و میثاقک"

و در جای دیگر میفرماید "ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما" ناعق گوساله بنی اسرائیل است.

و همچنین میفرماید "مبغوض مرا محبوب خود دانسته‌اید و دشمن مرا دوست خود گرفته‌اید"

و همچنین میفرماید "صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزاید من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع أحبائه و من اراد أن یسمع کلام الله فلیسمع کلمات أصفیائه"

و همچنین میفرماید "با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند"

و همچنین میفرماید "رأس الذلّة هو الخروج عن ظلّ الرحمن و الدخول في ظلّ الشيطان"

و همچنین میفرماید "ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح لقا و تکلم نمینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس نمائید و عهد الله را نشکنید و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجه نمائید و نباشید از بیخردان"

و همچنین میفرماید "أتم نسيت عهد الله و نقضتم میثاقه"

و همچنین میفرماید "إن جائكم أحد بكتاب الفجار دعوه ورائكم من الناس من نقض الميثاق و منهم من اتبع ما أمر من لدن عليم حكيم ليس ضررى بجنى و بلائى و ما یرد علیّ من طغاة عبادى بل عمل الذين ينسبون أنفسهم إلى هذا المظلوم و یرتكبون ما تضع به حرمة الله بین خلقه ألاّ إنهم من المفسدين"

و همچنین از لسان ناقضین میفرماید "قد جعلت المناير لذكرك و ارتفاع كلمتك و اظهار امرک و انى ارتقيت علیها لاعلاء نقض عهدک و میثاقک"

و همچنین میفرماید "خذوا ما أمرتم به و لا تتبعوا الذين نقضوا عهد الله و میثاقه ألاّ إنهم من أهل الضلال"

و همچنین میفرماید "إنّ الذين نكثوا عهد الله فى أوامره و نکصوا على أعقابهم أولئك من أهل الضلال لدى الغنى المتعال"

و همچنین میفرماید "إنّ الذين وفوا بميثاق الله أولئك من أعلى الخلق لدى الحق المتعال إنّ الذين غفلوا أولئك من أهل النار عند ربك العزيز المختار"

و همچنین میفرماید "طوبى لعبد آمن و لأمة آمنت و ويل للمشركين الذين نقضوا عهد الله و میثاقه و أعرضوا عن صراطى المستقيم"

و همچنین میفرماید "اسألك أن لا تخيبنى عمّا عندك و ما قدرته لخيرة خلقك الذين ما نقضوا عهدك و میثاقك قل موتوا بغیظكم قد أتى من ارتعدت به فرائص العالم و زلت به الأقدام إلاّ الذين ما نقضوا عهدهم و اتبعوا ما أنزله الله فى الكتاب"

وهمچنين ميفرمايند "إِنَّ الَّذِي تَرَىٰ بَرْدَاءَ الْوَفَاءِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَصِلُ عَلَيْهِ الْمَلَأُ الْأَعْلَىٰ وَالَّذِي نَقَصَ الْعَهْدَ يَلْعَنُهُ الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ"

وهمچنين ميفرمايند "خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها أيادي الكفار الذين نقضوا ميثاق الله وعهده و أعرضوا عن الوجه"

وهمچنين ميفرمايند "يا يحيى قد أتى الكتاب خذه بقوة من لدنا ولا تتبع الذين نقضوا ميثاق الله وعهده و كفروا بما نزل من لدن مقتدر علام"

وهمچنين ميفرمايند "قد أصبحت اليوم يا إلهي في جوار رحمتك الكبرى و أخذت القلم لأذكرك بحولك بذكر يكون بمنزلة النور للأحرار و بمثابة النار للأشرار الذين نقضوا ميثاقك و أعرضوا عن آياتك و نبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذي ظهر بأمرك و جرى من إصبع إرادتك"

وهمچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا إلهي هذا غصن انشعب من دوحة فردانيتك و سدره وحدانيتك تراه يا إلهي ناظراً إليك و متمسكاً بجبل أطافك فاحفظه في جوار رحمتك أنت تعلم يا إلهي إنني ما أريد إلا بما أردته و ما اخترته إلا بما اصطفيته فانصره بجنود أرضك و سمائك و انصر يا إلهي من نصره ثم اختر من اختاره و آيد من أقبل إليه ثم أخذل من أنكره و لم يرده أي ربّ ترى حين الوحي يتحرك قلبي و ترتعش أركانك بسؤالك بوهي في حبك و شوق في إظهار أمرك بأن تقدّر له و لمحبيه ما قدّرت له لسفرائك و أمناء و حيك إنك أنت الله المقتدر القدير"

"تالله يا قوم بيكي عيني و عين عليّ على الرفيق الأعلى و يضحّ قلبي و قلب محمد في السرادق الأبهى و يصيح فؤادي و أفئدة المرسلين عند أولى النهى إن أنتم من الناظرين لم يكن حزني من نفسي بل على الذي يأتي من بعدى في ظلل الأمر بسُلطان لائح مبين لأنّ هؤلاء لا يرضون بظهوره و ينكرون آياته و يجحدون بسُلطانه و يحاربون بنفسه و يخادعون في أمره كما فعلوا بنفسه في تلك الأيام و كنتم من الشاهدين"

وهمچنين در توقيعی بعبدالبهاء ميفرمايند "يا غصن أعظم لعمر الله نوازلك كدّرتني و لكن الله يشفيك و يحفظك و هو خير كريم و أحسن معين البهاء عليك و على من يخدمك و يطوف حولك و الويل و العذاب لمن يخالفك و يؤذيك طوبى لمن والاك و السقر لمن عاداك"

وهمچنين ميفرمايد "هل يمكن بعد إشراق شمس وصيّتك من أفق أكبر ألواحك أن تزلّ قدم أحد عن صراطك المسقيم قلنا يا قلبي الأعلى ينبغي لك أن تشتغل بما أمرت من لدى الله العليّ العظيم لا تسأل عمّا يذوب به قلبك و قلوب أهل الفردوس الذين طافوا حول أمرى البديع لا ينبغي لك بأن تطلع على ما سترناه عنك إنّ ربك هو



الستار العليم توجه بوجهك الأنور إلى المنظر الأكبر و قل يا إلهي الرحمن زين سماء البيان بأنجم الاستقامة والأمانة والصدق إنك أنت المقتدر على ما تشاء لا إله إلا أنت المدبر الكريم".

باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و میثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب می شود که سوء اخلاق سرایت می نماید نظیر مرض جذام که ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این بجهت حفظ و صیانت است.

این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند همچنین قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً بانها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم.

ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیبه قطع می نماید و شاخ دیگر را باین شجره پیوند مینماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق می آیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند نوه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمیفرمودند و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجری میداشتند ولی اینها باعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند. حضرت مسیح در قضیه یهوذای استخریوطی و برادران خویش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهاء بی نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنانکه در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصحه را مجری داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد همچنین باید نفوس مبارکه را از روائح کریه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صیانت کرد و الا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کلّ هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد.

۱۴ نوامبر سنه ۱۹۲۱ (عبدالبهاء عباس)